

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۲ کاربرد نجات و اتحاد با مسیح

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه دوم، کاربرد رستگاری و اتحاد با مسیح است.

ما سخنرانی‌های خود در مورد رستگاری را با معرفی کاربرد رستگاری ادامه می‌دهیم، که حوزه‌ای است که بیشتر آموزه‌هایی که ما مناسب می‌دانیم در آن قرار می‌گیرند و می‌خواهیم کاربرد رستگاری را در چشم‌انداز بزرگتری از رستگاری قرار دهیم.

زیر عنوان نجات، ما «انتخاب» را داریم که بخشی از کاربرد نجات نیست، و «تجلیل» را داریم که آن هم بخشی از کاربرد نیست، پس بگذارید من چشم‌انداز را ترسیم کنم و بگویم که این آموزه‌ها چگونه با هم مرتبط هستند. چشم‌انداز نجات شامل برنامه‌ریزی خدا برای نجات قبل از خلقت جهان است. این به موضوعاتی مانند انتخاب و تقدیر می‌پردازد که وقتی در مورد آموزه نجات و جنبه‌های نجات‌بخش آنها صحبت می‌کنیم، من آنها را از نظر کتاب مقدس مترادف می‌دانم، اگرچه تقدیر را می‌توان به عنوان مقوله بزرگتری در نظر گرفت که در آن خدا هر آنچه را که اتفاق می‌افتد، همه چیز، نه فقط نجات، مقدر می‌کند.

بنابراین، به هر حال، خدا نجات را قبل از خلقت، یعنی گزینش، برنامه‌ریزی می‌کند. خدا نجات را محقق می‌کند، و او نجات را قبل از خلقت و گزینش برنامه‌ریزی می‌کند. او نجات را در قرن اول در مسیح، تجسم او زندگی بی‌گناه، مرگ و رستاخیز، به ویژه، همچنین عروج او، ریختن روح القدس، دعا برای کلیسا، و حتی آمدن دوم او، اگر بخواهید، نهایی شدن کار نجات‌بخش اوست.

خداوند پیش از آفرینش جهان، رستگاری را طرح‌ریزی کرد و آن را در مسیح در قرن اول به انجام رساند. او رستگاری را در زمان و مکان به کار می‌گیرد، زمانی که روح القدس ما را با مسیح متحد می‌کند. این همان کاربرد رستگاری است و بیشتر آموزه‌هایی که مطالعه خواهیم کرد، مربوط به کاربرد رستگاری است.

این موارد شامل اتحاد با مسیح، فراخوانده شدن (این فقط یک مرور کلی است)، تولد دوباره، تغییر مذهب، توجیه، فرزندخواندگی، تقدیس و استقامت می‌شود. خداوند نه تنها نجات را برنامه‌ریزی کرد، آن را به انجام رساند و از طریق روح القدس در زندگی قوم خود به کار برد، بلکه آن را در روز آخر نیز به کمال خواهد رساند. از این رو، نجات برنامه‌ریزی، انجام، به کار گرفته و به کمال می‌رسد.

موضوع جلال یافتن و حیات ابدی که به آن خواهیم پرداخت، به طور کامل به کمال رستگاری تعلق دارد. بنابراین، بار دیگر، با توجه به این چشم‌انداز وسیع از رستگاری، آموزه‌های رستگاری را بررسی خواهیم کرد. ما گزینش را بخشی از نقشه خدا برای رستگاری خواهیم دانست.

ما به کاربرد نجات که مربوط به شخص و کار مسیح است، نخواهیم پرداخت. من یک سری کامل سخنرانی در مورد این موضوعات انجام داده‌ام، بنابراین قرار نیست به تحقق نجات biblicalelearning.org برای پردازیم. ما عمدتاً به کاربرد نجات، اتحاد با مسیح، دعوت، تولد دوباره، گرویدن، عادل شمردگی، فرزندخواندگی، تقدیس و پشتکار خواهیم پرداخت.

در نهایت، به موضوعی خواهیم پرداخت که به کمال نجات مربوط می‌شود، و آن جلال یافتن است. اگر همه این موارد در کاربرد نجات نیستند، چرا کنار هم قرار گرفته‌اند؟ زیرا همه آنها به نجات می‌پردازند. قبل از شروع بحث اتحاد با مسیح، چند نکته مقدماتی دیگر را مطرح می‌کنیم.

اولاً، حداقل باید چند کلمه در مورد روش‌شناسی الهیات توضیح بدهیم. روش‌های مختلفی وجود دارد. مثلاً الهیات فلسفی وجود دارد.

برداشت من و البته هدف از تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم، الهیات کاربردی، موعظه، مأموریت‌های مذهبی، مشاوره و غیره است. اما این یک روش الهیاتی استاندارد در بین اکثر مسیحیان انجیلی است. ما با تفسیر شروع می‌کنیم.

ما با کتاب مقدس شروع می‌کنیم و آموزه‌های کتاب مقدس را در عهد عتیق و جدید به دقت مطالعه می‌کنیم. به الهیات کتاب مقدسی می‌پردازیم که بر تفسیر بنا شده و داستان کتاب مقدس، الگوی رستگاری آشکار خلقت، سقوط، رستگاری و کمال را مطالعه می‌کند. ما از آن شبکه چهارگانه و آن خط داستانی برای معرفی رستگاری در اولین سخنرانی خود استفاده می‌کنیم.

تفسیر، الهیات کتاب مقدس را تغذیه می‌کند، که همانطور که سخت‌گیرترین رئیس شما آن را تعریف کرد پیشرفت، تاریخ وحی خاص خدا در آشکار شدن شخصیت تاریخی کتاب مقدسی آن است. معنای دیگری هم وجود دارد که الهیات تاریخی است. این الهیات از نظر الهیات کتاب مقدسی در درون کتاب مقدس، تاریخی است.

همچنین به معنای الهیات تاریخی خارج از کتاب مقدس، تاریخی است. الهیات تاریخی تلاش‌های کلیسا برای فهم کتاب مقدس از طریق تاریخ است. بنابراین ما دوره آباء کلیسا را داریم، آثار پدرانی مانند ترتولیان و ایرنائوس و به ویژه اورینگن.

به خصوص آگوستین که به عنوان تاج دوره آباء کلیسا شناخته می‌شد. و اگر می‌خواهید تاریخ را مشخص کنید، سال ۴۰۰ میلادی مناسب است. او در آن زمان شکوفا شد و نوشت.

دوره قرون وسطی شامل سنت آنسلم می‌شود، برای مثال، که اثر بزرگ خود را در مورد کتاب بزرگ در مورد عمل مسیح به ما ارائه داد. کوردئوس هومو، چرا خدا انسان شد. مشهورترین متکلم قرون وسطی، سنت توماس آکویناس است.

و حدود سال ۱۲۰۰ میلادی، تاریخ تقریبی خوبی برای اوست. الهیات آباء، الهیات قرون وسطی، الهیات اصلاحات. لوتر این تر را در سال ۱۵۱۷ به در کلیسا می‌خکوب کرد تا ما را در آنجا به یک نقطه اتکای کوچک برساند.

تاریخ‌های کالوین از ۱۵۰۹ تا ۱۵۶۴ است. آنها به همراه اولریش زوینگلی، اصلاح‌گران مقتدر هستند. و اصلاحات، بازیابی بزرگی از کتاب مقدس از نظر تفسیر، الهیات، موعظه، عبادت و انواع چیزها است.

اصلاحات دینی دوره مهمی در تاریخ الهیات مسیحی است. دوره پس از اصلاحات دینی، هم از نظر اصول عقاید لوتری و هم از نظر اصول عقاید اصلاح‌شده، اهمیت دارد. الهیات لوتری و اصلاح‌شده به ترتیب از لوتر و کالون توسعه یافتند.

ما پس از عصر روشنگری به دوره مدرن وارد می‌شویم و عقل انسانی ارتقا می‌یابد. عصر روشنگری جنبه‌های خوب و بدی دارد. برتری عقل انسانی بر کتاب مقدس، چیز خوبی نیست.

و به دوران مدرن و به دوران پسامدرن خودمان. لازم به ذکر است که اگرچه الهیات کتاب مقدس بر تفسیر بنا شده است، الهیات تاریخی بر هیچ یک از آنها به صورت مستقیم بنا نشده است. بلکه اگر بخواهیم این را به صورت نمودار ترسیم کنیم، تفسیری وجود دارد که الهیات کتاب مقدس را تغذیه می‌کند و در نهایت به الهیات سیستماتیک منتهی می‌شود.

اما الهیات تاریخی اغلب به صورت نموداری و با زاویه‌ای خاص مطرح می‌شود. در یک خط مستقیم نیست. بلکه با زاویه‌ای خاص مطرح می‌شود.

این نکته باید در درک آموزه‌های کتاب مقدس در نظر گرفته شود. ما نمی‌توانیم حکمت اعصار و کسانی که پیش از ما بوده‌اند را نادیده بگیریم. برای مثال، ما آموزه تثلیث را از هیچ، از هیچ، مانند کاری که خدا در همان ابتدای خلقت انجام داد، ابداع نمی‌کنیم.

اما مطمئناً ما به ترتولیان و آگوستین و دیگران به خاطر بینش‌ها و فرمول‌بندی‌هایشان و شوراهای بزرگ کلیسای مسیحی تکیه می‌کنیم. و چگونه می‌توانیم عشای ربانی را جدا از درک دیدگاه‌های مختلف درک کنیم؟ به عنوان مثال، کاتولیک رومی، لوتری، اصلاح‌شده و یادبودگرایان. ما نمی‌توانستیم آن را بدون داشتن آن اطلاعات به عنوان بخشی از تأمل خود، به درستی درک کنیم.

اما همه اینها در مسیر الهیات سیستماتیک است که تلاشی انسانی برای درک آموزه‌های کتاب مقدس است. تفسیر و بررسی دقیق متون مقدس در هر دو عهد، اساس الهیات کتاب مقدس است که به شرح داستان خود کتاب مقدس می‌پردازد. الهیات تاریخی نه در درون کتاب مقدس، بلکه در بیرون از آن قرار دارد، زیرا مردان و زنان در طول اعصار کوشیده‌اند تا آموزه‌های کتاب مقدس را درک کنند، گاهی به سمت بهتر شدن و گاهی به سمت بدتر شدن.

همه اینها و حتی بیشتر از آن باید در نظر گرفته شود، زیرا الهیات سیستماتیک واقعی شامل رشته‌های بسیار زیادی است. و من اعتراف می‌کنم و می‌گویم که من بیشتر یک الهی‌دان تفسیری هستم تا یک الهی‌دان سیستماتیک، به عبارت دقیق‌تر. منظورم این است که من سیستماتیک هستم، اما سیستماتیک‌دانان باید بخش زیادی از دانش بشری را در انواع زمینه‌ها در نظر بگیرند تا بتوانند کار خود را به درستی انجام دهند.

اما به هر حال، هدف نهایی، نظام‌مند کردن آموزه‌هایی است که خداوند در کلام خود ارائه داده است. همانطور که آشکار می‌شوند، همانطور که از تاریخ آموزه‌های مسیحی الهام گرفته شده است، و خیلی چیزهای دیگر. لازم است در مورد آموزه‌های خاصی که مطالعه خواهیم کرد، به الهیات تاریخی اشاره کنم. ما الهیات تاریخی را برای هر آموزه‌ای بررسی نخواهیم کرد و وقت هم نداریم.

و صادقانه بگویم، سه مورد از آموزه‌هایی که بررسی خواهیم کرد، بسیار مهم‌تر از بقیه است و آن آموزه‌های برگزیدگی است. ما باید دیدگاه‌های مختلف را درک کنیم، از آگوستین و پلاگیوس گرفته تا مناظرات بین لوتر و اراسموس، به عنوان مثال، کالوین و مخالفانش، و نبردهای معروف در هلند در اوایل دهه‌ی ۱۶۰۰، که در آن آرمینیوسی و کالوینیسم، هر کدام با پنج نکته‌ی خود، مطرح می‌شوند. نادیده گرفتن همه‌ی این‌ها به معنای نفهمیدن آموزه‌های کتاب مقدس و آنچه افراد خوب کتاب مقدس را برای آموزش درک کرده‌اند، است.

ما می‌خواهیم این کار را انجام دهیم. در کنار سایر موارد، باید آموزه‌ی عادل‌شمردگی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. البته، در کتاب مقدس، ما به «تنها کتاب مقدس» اعتقاد داریم؛ همه ما از منابع مختلفی برای آنچه باور داریم استفاده می‌کنیم.

اگر اینطور فکر نمی‌کنید، ساده‌لوح هستید. همه ما تحت تأثیر سنت هستیم و به دلایل خاص خودمان مطمئناً هنگام مطالعه الهیات و حتی تجربیاتمان، چه متوجه باشیم چه نباشیم، از ذهن خود استفاده می‌کنیم. اما «تنها کتاب مقدس» یا فقط کتاب مقدس، به این معنی نیست که ما فقط از کتاب مقدس برای ساختن الهیات استفاده می‌کنیم.

این بدان معناست که کتاب مقدس در ساختن الهیات برتر است و هدف ما این است که آگاهانه و پیوسته کتاب مقدس را بر عقل، سنت و تجربه خود برتری دهیم. برای توجیه، باید آموزه‌های کاتولیک رومی و اصلاحات مربوط به توجیه را در نظر بگیریم. آنها بسیار متفاوت هستند.

به همین ترتیب، تقدیس مستلزم نوعی الهیات تاریخی از یک دوره جدیدتر است، و بنابراین ما می‌خواهیم برداشت‌های خاص از زندگی مسیحی را از این دیدگاه‌ها بررسی کنیم. لوتری، وسلی، کسویک، پنطیکاستی و اصلاح‌شده. همه آنها مهم هستند.

همه آنها حتی جنبه‌هایی از حقیقت را دارند. همه آنها در مورد مهم‌ترین چیزها اتفاق نظر دارند، اما متفاوت هستند و ما باید به دنبال حل منصفانه این تفاوت‌ها باشیم تا بتوانیم آموزه‌های کتاب مقدس را تا حد امکان به خوبی درک کنیم. اتحاد با مسیح.

ما در واقع سخنرانی‌هایمان را به طور خاص با اتحاد با مسیح شروع می‌کنیم. همه اینها مقدماتی بود و به نظر من، با استفاده مجدد از عقل انسانی‌ام، ضروری بود. اتحاد با مسیح.

قبل از اینکه به سراغ دسته‌بندی‌های سیستماتیک و نظام‌مند الهیاتی - اتحاد با مسیح - بروم، هر یک از این آموزه‌ها را با خلاصه‌ای کوتاه از کتاب مقدس معرفی خواهم کرد. خلاصه کتاب مقدس.

اتحاد با مسیح به مفهوم نمایندگی در عهد عتیق برمی‌گردد. همه انسان‌ها توسط آدم نمایندگی می‌شوند، و سپس اسرائیل توسط ابراهیم، موسی و داوود، به عنوان مثال، نمایندگی می‌شود. می‌توانیم آنها را واسطه‌های عهد بنامیم.

پسر انسان و بنده خداوند در عهد عتیق به اسرائیل اشاره دارد، اما حتی در خود عهد عتیق نیز نشانه‌هایی از یک پسر انسان و بنده خداوند وجود دارد. عهد جدید روشن می‌کند که عیسی پسر واقعی ابراهیم، موسی بزرگتر و مسیح موعود به اسرائیل، داوود جدید و نهایی است. او همچنین پسر انسان و بنده خداوند است.

کسانی که مایل به تعلق به اسرائیل هستند باید با عیسی مسیح متحد شوند، زیرا او تاک حقیقی است و کسانی که در او هستند شاخه‌ها هستند. مفهوم اتحاد با مسیح در الهیات پولس در مسیح نیز بیان شده است. و خواهیم دید که هر نعمت نجات‌بخشی در مسیح از آن ماست.

رستگاری از آن ماست زیرا ما در مسیح هستیم و دیگر در آدم نیستیم. این خلاصه‌ی کوتاه، بیش از حد مختصر و کتاب مقدسی ماست - اتحاد با مسیح، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، مرور کلی.

ما می‌خواهیم اتحاد با مسیح را تعریف کنیم. می‌خواهیم نیاز خود را به اتحاد نشان دهیم. می‌خواهیم درباره تثلیث و اتحاد با مسیح صحبت کنیم.

موضوعی جذاب. توصیفی از اتحاد با مسیح. این توصیفی قطعی، شخصی و ماندگار است.

داستان عیسی و اتحاد با مسیح. به لطف خدا از طریق ایمان، ما در داستان عیسی سهیم هستیم. باورنکردنی است.

و سپس جنبه‌های نجات. جنبه‌ی دیگری از نجات که قرار است بررسی کنیم، اتحاد با مسیح است. زیرا اتحاد چتری است که جنبه‌های دیگر زیر آن قرار می‌گیرند.

این دایره بزرگتری است که عادل شمردگی و تقدیس و فرزندخواندگی و غیره، دایره‌های کوچک درون آن هستند، زیرمجموعه‌های مجموعه بزرگتر. اینها سرهای ما، دسته‌های ما از اتحاد با مسیح هستند. تعریف اتحاد با مسیح.

اتحاد با مسیح، کار روح القدس برای پیوند دادن مردم به عیسی و تمام مزایای نجات بخش اوست. همانطور که کالوین در کتاب سوم این موسسه، در همان بخش اول، گفت، تا زمانی که ما از مسیح جدا هستیم، تمام کارهایی که او برای ما انجام داده است، به ما سودی نمی‌رساند. تنها زمانی که ما به او پیوند بخوریم، به زبان کتاب مقدس، او از آن ما می‌شود و تمام کارهایی که او برای ما انجام داده است، از آن ما می‌شود.

افسسیان ۱ از تمام برکاتی که در اتحاد از آن ما هستند صحبت می‌کند. هر نعمت روحانی در جای‌های آسمانی، در اتحاد با مسیح از آن ما است. اتحاد در پرتو چشم‌انداز رستگاری دوباره، به بهترین شکل درک و فهمیده می‌شود.

خدا نقشه نجات را می‌کشد، زیرا او پیش از خلقت، انسان‌هایی را برای نجات انتخاب می‌کند. خدای پسر نجات را به انجام می‌رساند، زیرا او قوم خدا را از طریق مرگ و رستخیز خود نجات می‌دهد. خدای روح القدس، نجاتی را که توسط پدر برنامه‌ریزی شده و توسط پسر محقق شده است، به کار می‌گیرد.

جامع‌ترین دسته‌بندی کاربرد نجات، اتحاد با مسیح است. در واقع، می‌توانیم به سادگی بگوییم که کاربرد نجات، اتحاد با مسیح است. ضمناً، خلاصه من خیلی ساده بود زیرا خدا یک خداست و تمام اعمال تثلیث خارج از خودش غیرقابل تقسیم هستند.

هر عملی که یکی از شخصیت‌های تثلیث انجام می‌دهد، عملی از کل تثلیث است. ما وقتی این را می‌گوییم، شخصیت‌ها را با هم اشتباه نمی‌گیریم. ما روح القدس یا پدر را بر روی صلیب قرار نمی‌دهیم.

اما خود کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا در مسیح بود و جهان را با خود آشتی می‌داد، دوم قرن‌تیان ۵ حدود آیات ۱۹ یا ۲۰. و عبرانیان، من همیشه این آیه را گم می‌کنم. عبرانیان به ما می‌گویند که خدا خود را از طریق روح ابدی به خدا تقدیم کرد.

آن عبرانیان ۹:۱۴ می‌شد. می‌خواستم آیه‌ی اشتباهی را به شما بگویم. خوشحالم که آن را جستجو کردم. به عبارت دیگر، درست است که پدر، نجات را برنامه‌ریزی کرده است، اما بهتر است بگوییم تثلیث، به خصوص پدر، نجات را برنامه‌ریزی کرده است.

درست است که پسر نجات را به انجام رساند، اما بهتر است بگوییم تثلیث، به ویژه پسر، نجات را به انجام رساند. همانطور که خواهیم دید، تثلیث نجات را به کار گرفت، اگرچه عامل اصلی در آنجا خدا، روح القدس است. ضمناً، برای تکمیل، تثلیث نجات را کامل خواهد کرد.

نیاز ما به اتحاد با مسیح. من دریافته‌ام که هر جنبه از کاربرد نجات، از نظر الهیاتی به بهترین شکل به عنوان راه حل یک مشکل، داروی یک بیماری و برآورده کردن یک نیاز درک می‌شود. نیاز ما به اتحاد با مسیح همانطور که قبلاً اشاره کردیم، جدایی از اوست.

پیش از آنکه خدا ما را نجات دهد، به زبان پولس، از مسیح جدا بودیم. افسسیان ۲:۱۲. در جهان هیچ امیدی نداشتیم و بدون خدا بودیم. نیاز ما به اتحاد با مسیح، جدایی از مسیح است.

مثل این است. ما اینجا بودیم و مسیح اینجا بود. در او بخشش گناهان، حیات جاودان و تمام برکات نجات وجود داشت.

ما اینجا بودیم، از او جدا. بنابراین، این زبان از زبان مکان یا موقعیت مکانی برای نشان دادن فقدان رابطه استفاده می‌کند. خداوند، از روی رحمت، پسرش را به عنوان آشتی‌دهنده فرستاد.

و چون روح القدس ما را با مسیح، در مسیح عیسی، متحد ساخت، ما، غیریهودیان، که زمانی دور بودیم، به وسیله خون مسیح نزدیک شده‌ایم. افسسیان ۲:۱۳. ۲:۱۲، ما از او جدا شده بودیم. ۲:۱۳، ما به او نزدیک شده‌ایم.

در نتیجه، ما مؤمنان، نقل قول می‌کنیم، در یک روح به پدر دسترسی داریم و دیگر بیگانه و غریب نیستیم بلکه همشهری مقدسین و اعضای خانواده خدا هستیم. افسسیان ۲: ۱۸ و ۱۹. منظورم این نیست که مؤمنان یهودی را از قلم بیندازم.

جایگاه بسیار محترمی وجود دارد. ما شاخه‌های زیتون وحشی هستیم که به تاک اسرائیل پیوند زده شده‌اند. خداوند را به خاطر مؤمنان یهودی و به خاطر کار خدا در زندگی یهودیان عزیز در سراسر جهان شکر می‌کنیم.

نیاز ما به اتحاد با مسیح، جدایی از مسیح، تثلیث و اتحاد با مسیح است. متحد شدن با مسیح به این معنی است که ما با تثلیث متحد هستیم. خدا یکی است.

ما اشخاص را از هم متمایز می‌کنیم. ما آنها را با هم اشتباه نمی‌گیریم، اما هرگز آنها را از هم جدا نمی‌کنیم. اتحاد با مسیح به معنای اتحاد مجدد است، نه اتحاد مجدد، اتحاد با تثلیث.

برای درک این حقیقت باشکوه، باید آموزه تثلیث را خلاصه کنیم، کاری که یادداشت‌های من انجام نمی‌دهند. یک خدا وجود دارد که از ازل در سه شخص وجود داشته است.

خدایان زیادی وجود ندارند. یک خدا وجود دارد. او از ازل در سه شخصیت وجود داشته است.

آه، این موضوع در عهد جدید بسیار واضح‌تر از عهد عتیق آشکار شده است. در واقع، این آشکار شدن داستان کتاب مقدس است. این آموزه فیض است که به ما می‌گوید خدا همیشه چگونه بوده است.

چون در تجسم است، ما یاد می‌گیریم که در الوهیت دو نفر، دو شخص، وجود دارند. و در پنطیکاست، یاد می‌گیریم که در واقع، همیشه سه نفر در الوهیت وجود داشته‌اند. یک خدا وجود دارد، تثلیث ۶:۴. خداوند خدای ما اسرائیل، او یک خداوند است.

اول تیموتائوس ۲:۵. یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان‌ها وجود دارد، انسان، مسیح عیسی. عهد جدید، هرگز آموزه عهد عتیق در مورد وحدت خدا را انکار نمی‌کند. با این حال، به دلیل تجسم، به دلیل پنطیکاست به دلیل رساله‌هایی که در مورد آن آموزه‌ها و در مورد آن رویدادها با آموزه‌ها تأمل می‌کنند، می‌آموزیم که این خدای واحد از ازل در سه حالت، سه طریق وجود، سه شخص به عنوان پدر، پسر و روح القدس وجود داشته است.

بنابراین، حتی در تضاد با دیگر ادیان توحیدی در جهان، من به یهودیت و اسلام فکر می‌کنم؛ خدای مسیحیان، برخلاف دیدگاه‌های آنها در مورد خدا، هرگز تنها نیست. در یوحنا ۱۷، عیسی می‌گوید، ۱۷:۲۶ پدر، تو مرا دوست داشتی، شاید ۱۷۲۴، قبل از خلقت جهان. از ازل، بین سه شخص الوهیت، یعنی خدای واحد، ارتباط وجود داشته است.

رفاقت، اتحاد، عشق و مشارکت متقابل وجود داشت.

بنابراین، خداوند نه از روی نیاز، بلکه از روی رحمت، لطف و نیکی محض خود، آفرید. یک خدا وجود دارد که از ازل در سه شخص پدر، پسر و روح القدس وجود داشته است. از آنجایی که یک خدا وجود دارد، ما هرگز اشخاص تثلیث را از هم جدا نمی‌کنیم، اما اشخاص را از هم متمایز می‌کنیم.

. پسر نیست. پدر، روح القدس نیست. پسر، پدر نیست.

. پسر، روح نیست. من دیگر این کار را نمی‌کنم، اما منظورم را می‌فهمید. ما اشخاص را با هم قاطی نمی‌کنیم.

فقط پسر مجسم شد. آه، روح القدس مسئول باردار شدن یک باکره بود، اما روح القدس مجسم نشد، و پدر هم همینطور. فقط پسر مجسم شد و برای ما زندگی کرد، ما را دوست داشت، برای ما مرد، و به عنوان نوبر رستاخیز ما برخاست.

خدای یگانه، ابدی، نامتناهی و شخصی، از ازل در سه شخص به عنوان پدر، پسر و روح القدس وجود داشته است. ما هرگز آنها را از هم جدا نمی‌کنیم. ما آنها را از هم متمایز می‌کنیم و با هم اشتباه نمی‌گیریم.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که آنها متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند. و این ما را به این نقطه از درکمان از اتحاد با مسیح می‌رساند، زیرا سکونت متقابل شخصیت‌های تثلیث به ما درک اتحاد با مسیح کمک می‌کند. هر دو عهد به توحید اشاره دارند.

این اشخاص از هم جدایی‌ناپذیرند، زیرا خدا یکی است. ما آنها را بدون اینکه با هم اشتباه بگیریم، از هم متمایز می‌کنیم. بنابراین، در متی ۱۶: ۳ و ۱۷، فقط پسر تعمیم می‌گیرد.

فقط پدر از آسمان سخن می‌گوید. این پسر محبوب من است. فقط روح القدس است که به صورت یک تجلی الهی، به صورت مرئی، نفسانی و مربوط به حواس، نازل می‌شود.

حسی، این کلمه‌ای بود که می‌خواستیم. کلمه حسی به دلیل معانی بدی که دارد، کاملاً مناسب نیست. به هر حال، از نظر حسی، روح به شکل کبوتر دیده می‌شود.

سه شخص متمایز هستند. چون خدا یکی است، سه شخص الوهیت، چون خدا یکی است، سه شخص در یکدیگر ساکن هستند. در غیر این صورت، سه خدا می‌شد.

به این میگویند الهیات، و من بهتون میگم، الان که بازنشسته شدم، یکی از اسرار انجمن رو فاش می‌کنم. ما این کلمات قلمبه سلمبه رو دوست داریم چون ما رو سر کار نگه می‌داره. چون اون موقع به ما نیاز دارید.

حالا که بازنشسته شده‌ام، دیگر نیازی به کار ندارم. راستش را بخواهید، پنج روز در هفته می‌نویسم، اما اشکالی ندارد. داشتن چنین شغلی نعمت بزرگی است.

سکونت متقابل (Perichoresis) اما من الان رسماً در کلاس درس تدریس نمی‌کنم. پری کورسیس در لاتین به آن ختنه، (perichoresis) شخصیت‌های الوهیت است که در یونانی به آن پری کورسیس می‌گویند. متکلمان به سکونت (co-inherence) و در لاتین به آن هم‌ذات‌پنداری (circumcession) و (circumcession) ختنه، (perichoresis) متقابل پدر، پسر و روح القدس در یکدیگر پری کورسیس هم‌ذات‌پنداری می‌گویند.

(پیرامون) circum (پری، مثل peri، اطراف) هستند around کلماتی دارید که به معنی حروف اضافه (being اطراف)، و کلماتی دارید که به معنی circumference، (اطراف) circum، (اطراف) circum اطراف بودن (هستند). این وحشتناک است. شما کلمات را از روی ریشه‌شان being around (بودن) circumcession، (پریکورسیس) perichoresis تشخیص نمی‌دهید، اما شاید بتواند به شما کمک کند (همذات‌پنداری (co-inherence) خیاطی (یا

انجیل یوحنا این را به وضوح بیان می‌کند. پدر در پسر ساکن است، یوحنا ۱۰:۱۴. آیا نمی‌فهمی، فیلیپ؟ من در پدر هستم و پدر در من است. پسر روی زمین این را می‌گوید.

پدر در پسر است، یوحنا ۱۷:۲۳. پسر در پدر است، یوحنا ۱۴:۲۰. و پدر و پسر در یکدیگرند، یوحنا ۱۷:۲۱ و این دوره آموزشی تثلیث نیست، بنابراین نمی‌توانم همه این موارد را با جزئیات بیان کنم، اما یوحنا ۱۷:۲۳ من فقط برای اینها درخواست نمی‌کنم، یوحنا ۱۷:۲۰، بلکه برای کسانی نیز که به وسیله کلام آنها به من ایمان خواهند آورد، تا همه یک باشند.

عیسی برای وحدت مؤمنان و مؤمنان آینده دعا می‌کند، همانطور که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو. سپس عیسی سخنان شگفت‌انگیزی می‌گوید، تا آنها نیز در ما باشند. چه؟ این یک جمله شگفت‌انگیز است.

به موجب فیض خدا، خب، این درست گفته نشده است. به موجب ذات خدا، شخصیت‌های تثلیث در یکدیگر ساکن هستند. به موجب فیض باشکوه خدا، نه تنها تثلیث در ما ساکن است، بلکه یک حس مخلوق، محدود، مشتق شده و محدود نیز وجود دارد.

ما در الوهیت ساکن هستیم. اگر خود کتاب مقدس اینطور نگفته بود، هیچ کس این چیزها را از خودش در نمی‌آورد. وای! من فقط در مواقع بحرانی هنگام تدریس الهیات، نفسم بند می‌آید.

روح القدس ما را به پدر، پسر و روح القدس پیوند می‌دهد. در نتیجه‌ی اتحاد روح‌ها با تثلیث، خدا در ما ساکن می‌شود. در واقع، آیا خجالت می‌کشم این را به شما بگویم؟ نه، چون ما همیشه در حال یادگیری هستیم.

اما پس از تدریس الهیات برای مدت طولانی نمی‌دانم، سی سال پیش، و در حین نوشتن کتابی در مورد اتحاد با مسیح، به این درک رسیدم که آنچه همیشه حقیقت داشته، این است که سکونت روح القدس، سکونت تثلیث در مؤمنان، راهی برای صحبت در مورد اتحاد فعلی با مسیح است. همین است که هست! خداوند با ماست، و در ماست به این معنی که ما به مسیح پیوسته‌ایم. دوباره می‌گویم.

سکونت در مسیح، اتحاد مداوم و در حال حاضر است. خدا ما را تنها نمی‌گذارد. او ما را به پسرش می‌پیوندد و بخشی از آن، سکونت در ماست.

خدا در ما ساکن است. پولس معمولاً می‌گوید که روح‌القدس در ما ساکن است. با این حال، من قصد ندارم آن قسمت‌ها را بخوانم، شاید هشت یا نه بار.

او شش بار می‌گوید، پسر در ما ساکن است. رومیان ۸:۱۰، دوم قرنتیان ۵:۱۳، غلاطیان ۲:۲۰، افسسیان کولسیان ۱:۲۷، کولسیان ۳:۱۱. یک بار دیگر. پولس تعلیم می‌دهد که شش بار، خدا، پسر، در ۳:۱۷، ایمانداران ساکن است.

رومیان ۸:۱۰، دوم قرنتیان ۵:۱۳، غلاطیان ۲:۲۰، افسسیان ۳:۱۷، کولسیان ۱:۲۷ و ۳:۱۱. و دو برابر اینکه پدر در ما ساکن است. دوم قرنتیان ۶:۱۶، افسسیان ۲:۲۲، دوم قرنتیان ۶:۱۶، افسسیان ۲:۲۲. این بدان معناست که خدای پدر، پسر و روح‌القدس در مؤمنان ساکن هستند. باید توضیح دهم.

هر آنچه گفتم درست است زیرا آموزه‌ای از کتاب مقدس است، اما ما بین حضور عمومی یا همه‌جانبه خدا و حضور ویژه او تمایز قائل می‌شویم. خدای من. شاید لازم باشد بین حضور ویژه او تمایز قائل شویم. به هر حال، پدر در همه جا حضور دارد و در میان مؤمنان نیز حضور دارد، اما حضور ویژه او در بهشت است، جایی که خدا ساکن است.

پسر به واسطه‌ی حضور مداومش در همه جا، خارج از تجسم، حضور دارد. این یک سخنرانی دیگر است. او در همه جای بدن حضور دارد.

او در یک مکان، در دست راست خدا، به خاطر حضور بسیار ویژه‌اش است، اما در ما نیز ساکن است. این روح‌القدس است که در همه جا حضور دارد، اما در حضور ویژه‌اش در درون و با مؤمنان است. بنابراین می‌توان گفت که روح‌القدس شخصی است که خدا به طور ویژه به سکونت در او توجه داشته است.

عیسی قول داد که از پدر بخواهد روح‌القدس را بفرستد تا برای همیشه با مؤمنان باشد. یوحنا ۱۴:۱۶. عیسی در آیه ۱۷ از یوحنا ۱۴ به شاگردانش در مورد روح‌القدس تعلیم داد. نقل قول، شما او را می‌شناسید زیرا او با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.

عیسی فرمود که پدر و پسر در ایمانداران هستند، همانطور که ما دیدیم و در میان آنها ساکن خواهند شد. یوحنا ۱۴:۲۳. علاوه بر این، عیسی شاگردان را تشویق می‌کند و به آنها می‌گوید وقتی روح‌القدس بیاید، آنها خواهند دانست که من در پدر هستم، تو در من هستی و من در تو هستم. یوحنا ۱۴:۲۰. من فکر می‌کردم انجیل یوحنا به راحتی قابل درک است.

خب، هم هست و هم نیست. یک متکلم آلمانی، محقق آلمانی عهد جدید، جمله معروفی دارد که می‌گوید انجیل یوحنا، رودخانه‌ای است که در آن یک کودک می‌تواند شنا کند و یک فیل می‌تواند. این درست است.

چه بخش بهتری از کتاب مقدس برای ارائه به یک جوینده وجود دارد، زیرا کودکان می‌توانند در انجیل یوحنا غوطه‌ور شوند، و پیام نجات‌بخش در فصل به فصل آمده است، و عیسی مستقیماً با من صحبت می‌کند. به همین ترتیب، در همان انجیل، برخی از نکات مبهم وجود دارد و ما اکنون کمی در آن نکات مبهم غرق می‌شویم.

عیسی و مؤمنان در یکدیگر می‌مانند. یوحنا ۴.۱۵.۶:۵ و ۵. در دعای معروف کاهنی خود، عیسی دعا می‌کند که مؤمنان آینده در پدر و پسر باشند، همانطور که پدر و پسر در یکدیگر هستند. ما قبلاً آن را خوانده‌ایم.

اگرچه کمتر کسی می‌داند، پولس تعلیم می‌دهد که ایمانداران در پدر و پسر هستند. تسالونیکیان ۱:۲۰-۲۱. چنین تعلیمی در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح هستند. اول تسالونیکیان ۱:۱-۲ و دوم تسالونیکیان ۱:۱. چنین تعلیمی بسیار آموزنده است.

چگونه می‌توانیم درک کنیم که تثلیث به شیوه‌ای مشابه با سه شخصیت که در یکدیگر ساکن هستند، در ما ساکن است؟ اولاً، باید تمایز بین خدای خالق و مخلوقاتش را حفظ کنیم. ساکن شدن خدا در ما به این معنی نیست که ما الهی می‌شویم. ما خدایان کوچک نیستیم.

خدا همیشه پروردگار و ناجی ماست و ما همیشه مخلوقات نجات‌یافته او هستیم. دوم، پدر، پسر و روح‌القدس از ازل در یکدیگر ساکن بوده‌اند و سکونت آنها در ما از زمان ایمان آوردن ما آغاز می‌شود. سوم، سکونت متقابل شخصیت‌های تثلیث به ذات الهی آنها بستگی دارد.

این نشان می‌دهد که آنها به عنوان خدا چه کسانی هستند. اما ساکن شدن خدا در ما از طریق فیض و از طریق ایمان به خداوند عیسی مسیح است. توصیفی از اتحاد با مسیح.

قطعی است. تعریف می‌کند که ما که هستیم. شخصی یا صمیمی است و برای همیشه پایدار است.

اتحاد با مسیح قطعی است. اتحاد، وجود ما را به عنوان قوم خدا تعریف می‌کند. پطرس خدا را به عنوان کسی که از مؤمنان به عنوان سنگ‌های زنده استفاده می‌کند تا از طریق مسیح، سنگ زنده، معبدی برای خدا بسازد، به تصویر می‌کشد.

اول پطرس ۴:۲ و ۵. پطرس پس از این تصویر زیبا از اتحاد با مسیح، اضافه می‌کند که زمانی شما قوم خدا نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید. شما رحمت دریافت نکرده بودید، اما اکنون آن را دریافت کرده‌اید. آیه ۱۰، اتحاد با مسیح، ما را تعریف می‌کند.

ما قوم خدا هستیم که از طریق اتحاد با پسرش، طعم رحمت او را چشیده‌ایم. ما نیز مانند قرن‌تیان، فیض خدا را در مسیح عیسی دریافت کرده‌ایم. اول قرن‌تیان ۴:۱. درست است.

جماعت در حال تقلا و آشفته‌ی قرن‌تیان، حداقل اکثریت آنها، نجات یافتند، در مسیح عیسی بودند. او، پولس در فصل ۵ به اصطلاح برادر را تصدیق می‌کند که با نامادری‌اش زندگی می‌کند، همانطور که مردی با همسرش زندگی می‌کند. پولس واقعاً دیوانه است.

او می‌گوید بت‌پرستان این کار را نمی‌کنند. او، او خیلی دیوانه است. اما این مردم درگیر، دست و پا چلفتی، گیج، غرق در عطایای معنوی و سوءاستفاده از بیشتر آنها، یکدیگر را در برابر کافران به دادگاه می‌کشاند. رستاخیز مردگان و از این رو، با استنباط، رستاخیز عیسی را اشتباه فهمیده‌اند.

آنها در مسیح عیسی هستند. خدا را شکر، زیرا این به ما نیز امید می‌دهد، زیرا ما نیز گاهی اوقات مانند آنها هستیم. اتحاد با مسیح، تا آنجا که توصیف آن می‌گوید، تعیین‌کننده است.

این شخصی است. مسیح ما را خارج از ما دوست داشت. بنابراین، و سلی بین خدا برای ما در مسیح تمایز قائل شد.

عیسی بر روی صلیب مرد. ما بر روی صلیب نمردیم. او مرد تا ما مجبور نباشیم خشم خدا را تحمل کنیم.

این خارج از ماست. این یک رویداد و حقیقت عینی است. وسلی خدا را برای ما در خارج از ما از خدا در ما در روح القدس، در اتحاد با مسیح، متمایز کرد.

این تمایز خوبی است. این نیز حقیقتی عینی است زیرا خداوند آن را در کلام خود به ما عطا کرده است، اگرچه ما سعی می‌کنیم آن را به صورت ذهنی درک کنیم. اما از این نظر که شخصی است، ذهنی است.

مسیح ما را در بیرون از وجودمان دوست داشت. او برای ما مُرد، زمانی که ما نمی‌توانستیم خود را نجات دهیم. با این حال، در اتحاد با مسیح، خدا در درون ما کار می‌کند.

اتحاد با مسیح، فیض خدا را از نزدیک و شخصی به ما می‌رساند. به همین دلیل، پولس از تصویر صمیمی روابط زناشویی برای به تصویر کشیدن اتحاد با مسیح استفاده می‌کند. او، او، او از تصاویر مختلفی برای اتحاد با مسیح استفاده می‌کند.

بدن مسیح معبد روح القدس است، و او از تصویر ازدواج و اتحاد جنسی خارج از ازدواج استفاده می‌کند. صمیمیت رابطه جنسی. او به مردان قرن‌تس می‌گوید: «مگر نمی‌دانید؟» «آنها نه تنها هنوز با بت‌ها به معابد می‌رفتند، بلکه برخی از آنها به فاحشه‌ها نیز سر می‌زدند.

آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما بخشی از بدن مسیح است؟ اول قرن‌تس ۶، ۱۵ و بعد از آن. پس آیا باید بخشی از بدن مسیح را بردارم و آن را بخشی از یک فاحشه کنم؟ به هیچ وجه! این یک ترجمه است. این نفس نفس زدن من است.

نفس نفس زدن من به هیچ وجه اینطور نیست. باشد که هرگز اینطور نشود. این فکر را از سرتان بیرون کنید.

مطلقاً نه. و شاید یک تعبیر کلی، نفس نفس زدن. نه واقعاً، اما منظورم را می‌فهمید.

آیا نمی‌دانید که هر که به فاحشه بپیوندد، با او یک بدن است؟ اما هر که به خداوند بپیوندد، با او یک روح است. همانطور که گوردون فی در نوشته‌هایش درباره پولس، در رساله‌های پولس به ما آموخته است بدون تمایز، خداوند، که به خدا اشاره دارد، همیشه خداوند عیسی است. هر که به خداوند عیسی *kurios* بپیوندد، به این معنی است که با او یک روح است.

اول قرن‌تس ۱۵:۶ و تنظیم شده روی ۱۷. پولس نه تنها از صمیمی‌ترین روابط انسانی، یعنی ازدواج، بلکه از صمیمی‌ترین جنبه روابط انسانی، یعنی مقاربت جنسی، برای به تصویر کشیدن اتحاد با مسیح استفاده می‌کند. این قطعی و نهایی است.

این موضوع کاملاً شخصی است. خدا ما را دوست دارد. ما از آن او هستیم.

او از آن ماست. پولس در روابط زناشویی، اتحاد بدن زن و شوهر را به هم تشبیه می‌کند. من چنین چیزی را از خودم در نمی‌آورم.

و اتحاد معنوی ما بین مسیح و خودمان. اتحاد ما با مسیح در واقع شخصی است. ما هنوز در حال توصیف اتحاد با مسیح هستیم.

این ما را تعریف می کند. این نشان می دهد که ما چه کسی هستیم. هر چیز دیگری که در مورد ما صادق باشد، ما افرادی هستیم که در مسیح هستیم.

این یک پیوند شخصی و صمیمانه است. این یک پیوند پایدار نیست. بلکه دائمی است.

خدا کسانی را که به مسیح پیوسته است، از مسیح جدا نمی کند. فیض خدا فراگیر است. اتحاد با مسیح موقتی نیست، بلکه دائمی است.

پولس می نویسد، نقل قول می کند، در او، شما نیز با روح القدس موعود مهر شدید، هنگامی که کلام حقیقت انجیل نجات خود را شنیدید، و ایمان آوردید. افسسیان ۱، ۱۳. این متن تثلیث را به عنوان عامل مهر و موم کردن مؤمنان معرفی می کند.

فعل الهی مهر شده، شما مهر شدید. فعل الهی مهر شده، نشان می دهد که خدای پدر مهرکننده ای است که ابتکار عمل را در مهر کردن قوم خدا به دست می گیرد.

مهر خدا نه پدر است و نه پسر. بلکه روح القدس است که توسط انبیای عهد عتیق وعده داده شده است.

مهر شدن در او اتفاق می افتد. یعنی در زمینه اتحاد با مسیح. همانطور که آیه بعدی نشان می دهد، معنای اصلی این مهر شدن، پایداری نجات است.

در او، شما نیز با روح القدس موعود مهر شدید، هنگامی که حقیقت، کلام حقیقت، بشارت نجات خود را شنیدید و ایمان آوردید. روح القدس پیش پرداخت میراث ما است تا زمانی که دارایی ما آزاد شود و جلال او ستایش گردد. این موضوع با استفاده پولس از مهر و موم در ادامه در افسسیان برجسته شده است.

افسسیان ۴، ۳۰. و روح القدس خدا را غمگین نکنید. شما توسط او برای روز رستگاری مهر و موم شده اید.

افسسیان ۴، ۳۰. اهمیت الهیاتی اصلی پدر که اتحاد مؤمنان با مسیح را با مهر روح القدس مهر و موم می کند دوباره می گویم.

پیام اصلی الهیاتی، اهمیت مهر و موم کردن اتحاد مؤمنان با مسیح توسط پدر با مهر روح القدس است. پدر مهر و موم می کند، او اتحاد ما را مهر و موم می کند، و این کار را با دادن مهر روح القدس به ما انجام می دهد. بنابراین، اهمیت اصلی همه اینها، حفظ مقدسین توسط خداوند است.

شما توسط او برای روز رستگاری مهر شدید. برای روز رستگاری. اتحاد ما با مسیح چنان دائمی است که حتی مرگ هم نمی تواند پیوند آن را بگسلد.

همانطور که یوحنا آشکار می کند، خداوند کسانی را که در اتحاد با مسیح می میرند، ستایش می کند. در مکاشفه ۱۴:۱۳. خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می میرند. ۱۴:۱۳.

مکاشفه ۱۴:۱۳. خلاصه اینکه، قبل از اینکه این سخنرانی را به پایان برسانیم، همانطور که این سخنرانی را به پایان می رسانیم، خلاصه اینکه، اتحاد با مسیح قطعی است. این اتحاد مشخص می کند که ما که هستیم.

قوم متبرک خدا تا ابد به طور نجات‌بخشی به پسر پیوند خورده‌اند. اتحاد با مسیح امری شخصی است. ما از نظر معنوی با مسیح، داماد خود، ازدواج کرده‌ایم و او را که ابتدا ما را دوست داشت، صمیمانه دوست داریم.

اتحاد با مسیح پایدار است. ما با مهر ناگسستنی روح القدس به پسر خدا، ناجی خود، پیوند خورده‌ایم. خداوند را ستایش کنید.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه ۲، کاربرد رستگاری و اتحاد با مسیح است.